بسم‌الله الرحمن الرحیم

[خطبه اول 2](#_Toc435687647)

[تکلیف محوری در روابط خانوادگی 2](#_Toc435687648)

[نمونه‌های خدامحوری 3](#_Toc435687649)

[قربانی اسماعیل (ع) برای فرمان خدا 3](#_Toc435687650)

[حلم در روایات 4](#_Toc435687651)

[نیروی امیرالمؤمنین (ع) 4](#_Toc435687652)

[حالات انسان مؤمن در مسیر زندگی 4](#_Toc435687653)

[تعبیر حلم در آیات قرآن 5](#_Toc435687654)

[حلم ابراهیم و اسماعیل 5](#_Toc435687655)

[آزمایش دشوار الهی 5](#_Toc435687656)

[آماده کردن پدر نسبت به اسماعیل 6](#_Toc435687657)

[سرانجام فرمان پذیری خداوند 7](#_Toc435687658)

[الگوی مطرح در داستان نوح 7](#_Toc435687659)

[رسالت حضرت نوح در قبال فرزند 7](#_Toc435687660)

[شرح داستان نوح (ع) 7](#_Toc435687661)

[دعا 9](#_Toc435687662)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا آن هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ آن اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

در روزهای پایانی ماه مبارک رجب و در آستانه ماه مبارک شعبان همه شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری و به استفاده و بهره‌برداری از فیوضات باقی‌مانده در این ماه و فیوضات درراه در ماه شعبان و رمضان دعوت می‌کنم. از خداوند متعال توفیق روزافزون در کسب فیض از این فرصت‌های الهی و دستیابی به تقوا درخواست می‌کنیم و ان شاء الله همه ما را از بندگان شایسته و وارسته خود قرار دهد.

# تکلیف محوری در روابط خانوادگی

یکی از نکات مهمی که در روابط پدر و مادر با فرزندان بسیار مهم است، این بوده که رابطه پدر و مادر با فرزندان بر اساس تکلیف الهی و فرمان خدا تنظیم شود. این بحث را در هفته قبل توضیح دادیم که همه نعمت‌های خدا ازجمله نعمت فرزند وسیله‌ای برای آزمایش ماست و انسان باید از نعمت‌های خداوند به نحو صحیح پاسداری نموده و در مسیر صحیح به کار گیرد و اگر فرمان خدا درجایی بود که باید از این نعمت چشم‌پوشی نمود، انسان باید از آن چشم‌پوشی نماید.

این اصل بسیار مهمی است که به نحوی در هفته گذشته اشاره شد. انسان مؤمن کسی است که رابطه او با نعمت‌هایی که خدا به او داده است، طبق فرمان خدا تنظیم می‌شود و به میل، هوی و هوس نباید با آن‌ها مشی نمود؛ حال این نعمت، مال، فرزند، مقام و ...باشد فرقی در این زمینه وجود ندارد.

# نمونه‌های خدامحوری

انسان مؤمن رابطه‌اش را با این نعم بر اساس دستور خدا تنظیم می‌کند. چند نمونه در این زمینه در قران ذکرشده است و نمونه‌هایی نیز در تاریخ اسلام وجود دارد که در اسلام و نزد خداوند با همه تأکیدات و توصیه‌هایی که در قبال پرورش فرزندان و اهمیت دادن به خانواده واردشده است، اما در مواردی نیز پیش خواهد آمد که انسان برای امتحان و عمل به‌فرمان خدا باید از نعمتی ازجمله نعمت فرزند چشم‌پوشی نماید.

# قربانی اسماعیل (ع) برای فرمان خدا

در این خطبه به چند نمونه اشاره می‌کنم. یک نمونه بسیار زیبا و بارز آن در قصه حضرت ابراهیم و رابطه ایشان با حضرت اسماعیل بود. به این اشاره شد و بار دیگر آیات سوره صافات را در این رابطه تکرار می‌کنم که چندین آیه در این سوره به تبیین این داستان تعلق‌گرفته است.

از آیه 100 چندین آیه به‌عنوان الگو و نمادی از تکلیف شناسی و پایبندی ابراهیم به وظیفه الهی یادشده تا جایی که فرزند عزیز خود را قربانی می‌نماید. این از افتخارات انبیاء الهی و از امور بسیار دشواری است. ایشان در بالای 90 و 100 سالگی صاحب فرزند شده است. حضرت دعا کرد که خدایا به من فرزند عطا نما. نه مطلق فرزند، بلکه فرزندی که صالح باشد؛ **«رَبِّ هَبْ لی مِنَ الصَّالِحین فَبَشَّرْناهُ بِغُلامٍ حَلیم»‌[[3]](#footnote-3)**

## حلم در روایات

کلمه حلم و بردباری یکی از اوصاف مهم اخلاقی انسان است. و حلم از درجات بالای صبر و بردباری است که لازمه طی کردن مدارج بالایی ایمانی و توکل است که حوادث و طوفان‌های روزگار او را از پای درنیاورده و به ناشکری نکشاند. بلکه روی پای خود مثل درخت قوی بیابانی در مقابل طوفان‌ها بایستد. درخت‌ها گاهی درختان محلی است که اگر در معرض طوفان قرار گیرد، از پای درمی آیند، اما درختان که رشد و نموشان در بیابان بوده درختان قوی‌ای هستند.

## نیروی امیرالمؤمنین (ع)

امیرالمؤمنین (ع) در فرازی از نهج‌البلاغه در جواب این سؤال که شما باوجود غذای اندک چگونه از چنین نیرویی برخوردار هستید؟ فرمودند که به قوه رحمانیه می‌باشد و درجایی تشبیه می‌کنند که من مثل درختان تنومند بیابانی هستم که در اثر زحمت و تمرینی که کردم بدون اینکه نیاز به‌راحتی و غذای خاصی داشته باشم می‌توانم در مقابل حوادث ایستادگی نمایم.

حلیم و حلم درجه بالایی از صبر و برداری است یعنی کسی چنان خود را ساخته که طوفان‌های روزگار او را از پا درنمی‌آورد. روزگار چرخه ایست که هرروز انسان‌ها با بلایی و مصیبتی روبه‌رو هستند، میزان آن تفاوت پیدا می‌کند، اما همه با آن مواجه هستند. قافله بشریت همیشه در مسیری حرکت می‌کند که سنگلاخ و طوفان وجود دارد و انسان‌های مؤمن مثل همان درخت بیابانی‌اند که در برابر سختی‌ها خمیده و پژمرده و گرفتار ناسپاسی نمی‌شوند.

## حالات انسان مؤمن در مسیر زندگی

اما انسان مؤمن هرچه بر ایمان او افزوده شود، روزبه‌روز مقاوم‌تر و صبورتر مانند سدی در مقابل مشکلات می‌ایستد و آن‌ها را هضم می‌کند. بدون اینکه شکسته شود، این از نشانه‌های ایمان است. حلم در روایات بسیار مورد تأکید قرارگرفته که مقام حلم از درجات بالایی ایمان است و البته دارای درجات است.

## تعبیر حلم در آیات قرآن

تعبیر حلم و حلیم در قرآن راجع به دو پیامبر اطلاق شده است، البته تعبیر صبر وجود دارد. یکی از آن‌ها اسماعیل و دیگری ابراهیم است. درحالی‌که قافله بزرگ انبیاء؛ حضرت نوح، موسی، عیسی و سایر انبیاء دارای این ویژگی بودند اما با عنایت خاصی در قرآن کریم تنها درباره این دو پیامبر و پدر و پسر بزرگ و بنیان‌گذاران کعبه خدا تعبیر حلم واردشده است. ازجمله در همین آیه است. وقتی‌که ابراهیم از خداوند در سنین کهن‌سالی فرزند صالح درخواست کرد، خداوند می‌فرماید ما دو بار دعای او را اجابت کردیم و او را به غلامی حلیم بشارت دادیم و باری دیگر نسبت به حضرت اسحاق این دعا مستجاب شد.

## حلم ابراهیم و اسماعیل

حضرت اسماعیلی که دودمان و سلسله نورانی انبیاء در او قرار داده شد، با دعای ابراهیم به او ارزانی شد تا اینکه این سلسله به نبی مکرم اسلام (ص) منتهی گردید. زنجیره این سلسله حضرت اسماعیل بود. خدا می‌فرماید به او نوجوانی بردبار و باوقار عنایت کردیم و به او مژده دادیم که خداوند در مقابل دعای نیک تو فرزندی حلیم به تو عنایت می‌فرماید.

اما چرا خداوند تنها در قبال این دو پیامبر چنین تعبیری را داشته‌اند؟

## آزمایش دشوار الهی

یکی از دلایل آن، آمادگی این پدر و پسر در آزمایش بسیار خطرناک و حساس است که بشر به‌سادگی نمی‌تواند زیر بار این آزمایش برود، ازاین‌جهت است که خداوند به ابراهیم و پیشانی نورانی اسماعیل مدال پرافتخار حلم بخشیده و نصب‌کرده است. لذا روابط خانوادگی باید علاوه بر اینکه سرشار از محبت است، در مسیر فرمان خدا قرار داشته باشد. وجود ابراهیم مملو از عشق بدین فرزند است، فرزندی زیبا که دارای صورت و سیرت پاک و طاهر است و در سنین کهن‌سالی به ایشان عنایت شده است و این‌قدر به او دل‌بسته است.

امروز نوجوان بالغ و رشیدی است و همه آرزوهای ابراهیم در لحظه رفتن به لقاءالله در چهره اسماعیل عزیز او تجسد پیداکرده است. این عشق بی‌پایان ابراهیم به اسماعیل است. با آن تربیتی که ابراهیم نسبت به اسماعیل داشت که او در سنین نوجوانی حاضر شد در امتحان بزرگ الهی چنین سرافراز خارج شود. از طرفی همه آمال ابراهیم در اسماعیل جمع شده و از طرفی اسماعیل در سنین جوانی است و به پدر خود نهایت عشق را داراست.

## آماده کردن پدر نسبت به اسماعیل

**«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْی قالَ یا بُنَی إِنِّی أَری فِی الْمَنامِ أَنِّی أَذْبَحُک فَانْظُرْ ما ذا تَری قالَ یا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی إن شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرین»[[4]](#footnote-4)‌**

وقتی او به بلوغ، نوجوانی و شکوفایی شخصیتش رسید، ابراهیم به او فرمود من در خواب می‌دیدم که در حال ذبح کردن تو هستم! نکات بسیار زیبایی در اینجا وجود دارد، در جزئیات این حادثه در روایات واردشده است که این حالت سه بار در حالت خاص وحی، نه خواب، به ایشان گفته شد. بار سوم به‌طور واضح و قطع مطمئن شد که این الهام الهی بوده است. ابراهیم هم‌اکنون در حال مشورت با اسماعیل است که جالب است حضرت وقتی‌که می‌خواهند امر الهی را مطرح نمایند بدون مقدمه و زمینه‌سازی این کار را انجام نمی‌دهند.

ابراهیم این آزمون بزرگ الهی را با اسماعیل درمیان می‌گذارد که خدا فرموده تو را قربانی کنم نظر تو چیست؟ حضرت اسماعیل بسیار جواب عارفانه‌ای به پدر داد که نشان از طی کردن عالی‌ترین مراتب عرفانی در نوجوانی است. او فرمود پدرم! هرچه خدا فرموده همان را انجام ده و خواهی دید که من در قبال این صبور خواهم بود.

امثال ما مرد این امتحانات نیستیم، اما باید تلاش کنیم در نقاط مختلف زندگی این‌گونه عمل کنیم. هر دو به بهترین وجه خوش درخشیدند و از این آزمون الهی سربلند بیرون آمدند. آن‌ها علاقه‌های دنیایی خود را در پیشگاه خداوند ذبح کردند، لذا لازم نیست در خارج این ذبح صورت گیرد.

## سرانجام فرمان پذیری خداوند

وقتی به این قله رسیدند خدا فرمان داد، شما سربلند بیرون آمدید و دیگر لازم نیست و قربانی‌ای (طبق روایات قوچی) از بهشت فرستاده شد و به‌جای اسماعیل قربانی شد. محیط خانه باید سرشار از عشق و محبت باشد ولی درجایی که لازم است انسان باید بتواند از این علاقه خود برای فرمان خدا دل ببرد.

## الگوی مطرح در داستان نوح

الگویی دیگر متفاوت از این الگو وجود دارد که در داستان حضرت نوح است. حضرت نوح باافتخار از این میدان، سربلند خارج شد اما پسرش این‌گونه نبود. گاهی در بهترین شرایط تربیتی فردی سالم بیرون نمی‌آید که نشان از اختیاری است که خدا برای افراد قرار داده است. لذا فضا و برنامه‌ریزی تربیتی غالباً تأثیرگذار بوده و گاهی اثر لازم را به دنبال ندارد. در این رابطه نکات زیبایی در سوره هود واردشده است.

## رسالت حضرت نوح در قبال فرزند

حضرت نوح نیز از فرزند دل برید، اما پسر در اینجا سربلند بیرون نیامد. یکی از دلایل مهمی که در تاریخ و اخبار ذکرشده است رفیقان نامناسب فرزند نوح را از مسیر خانواده رسالت خارج کردند و به تباهی و گمراهی کشاندند. وقتی پس از سال‌ها تبلیغ حضرت امیدی به هدایت امت نداشت، قرار شد طوفانی فرستاده شود تا طومار آن امت برچیده شود. این طوفان نقطه عطفی در زندگی بشر روی کره زمین بود. طوفان به زندگی همه آن‌ها پایان داد، جز اندکی که بر کشتی نوح و نجات نشستند.

## شرح داستان نوح (ع)

مقدماتی که حضرت نوح انجام دادند، در تاریخ ذکرشده و نمی‌خواهم آن‌ها را بیان کنم. این مقدمات صورت گرفت تا آنجا که حضرت در هنگام جوشش آب از زمین و نزولان از آسمان افرادی را بر کشتی نشانده و آماده این است که به دنبال فرمان خدا درهای کشتی بسته شود. در این میان فرزند او خارج از کشتی بود؛ **«وَ هِی تَجْری بِهِمْ فی مَوْجٍ کالْجِبالِ وَ نادی نُوحٌ ابْنَهُ وَ کانَ فی مَعْزِلٍ یا بُنَی ارْکبْ مَعَنا وَ لا تَکنْ مَعَ الْکافِرین»[[5]](#footnote-5)**

حضرت طبق علاقه پدری از فرزند خود خواست که بیا و با مؤمنین باش و با کافرین همراهی نکن. او پاسخ بدی داد و فکر کرد که این حادثه‌ای طبیعی است. آن‌طور که در تفاسیر واردشده است حضرت نوح از تمامیت قصه آگاه نبودند که فرزندش در باطن کفر داشته و قرار بر همراهی آنان را ندارد. لذا با مهر و عطوفت او را صدا زد و او نیز با غرور و کفر تمام گفت: **«قالَ سَآوی إِلی جَبَلٍ یعْصِمُنی مِنَ الْماءِ»[[6]](#footnote-6)**

حضرت نوح فرمود: **«قالَ لا عاصِمَ الْیوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلاَّ مَنْ رَحِمَ وَ حالَ بَینَهُمَا الْمَوْجُ فَکانَ مِنَ الْمُغْرَقین»[[7]](#footnote-7)**

این طوفان و باران معمولی نیست. بلکه عذاب خدا بوده و در مقابل این عذاب هیچ نگهبانی جز رحمت خدا نخواهد بود و رحمت خدا در این کشتی است و این، کشتی نجات و رهایی است. باخدا نیز این‌گونه مطرح کرد که؛ **«وَ نادی نُوحٌ رَبَّهُ فَقالَ رَبِّ آن ابْنی مِنْ أَهْلی وَ آن وَعْدَک الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْکمُ الْحاکمین»[[8]](#footnote-8)‌**

خدایا فرزند من از اهل من است و تو وعده فرمودی که اهل تو را نجات خواهم داد. اما خداوند در جواب او فرمود که؛ **«قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیسَ مِنْ أَهْلِک إِنَّهُ عَمَلٌ غَیرُ صالِحٍ فَلا تَسْئَلْنِ ما لَیسَ لَک بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُک آن تَکونَ مِنَ الْجاهِلین»‌[[9]](#footnote-9)**

اهل تو صالحانند و اگر از تو ولی صالح نباشند از اهل تو و اهل نجات نخواهند بود، لذا خواسته تو عملی نیست. ازآنچه آگاه نیستی درخواست نکن. حضرت از این درخواست استغفار کرد که چیزی را برخلاف فرمان خدا درخواست نماید. در اینجا نیز نوح با دستور خدا دل از فرزند برید. لذا ابراهیم به شکلی و نوح به شکلی دیگر از تعلق دست کشیدند. نمونه‌های دیگر آن نیز در کربلا و حوادثی دیگر برای بزرگانی که در طول تاریخ بودند رخ داد.

لذا رابطه انسان با نعمت‌ها باید برمدار فرمان خدا باشد.

.

.

.

### آسیب شناسی جشن‌ها

چند آفت در جشن‌های ما است که باید جلوی آن را گرفت. مسئولان هم باید طبق برنامه‌ریزی صحیح کنترل کنند. این نکته نیز مربوط به ماه شعبان بود. ماه شعبان را إن شاء الله با عمل و رفتار صحیح خود گرامی بداریم.

# سخنان فضیحانه بوش

در اینجا اشاره‌کنم به سخنان بسیار فضیحانه‌ای که بوش دیشب داشت، نخست‌وزیر عراق بازدید منطقه‌ای داشت که در پی ‌آن به ایران آمد. آن‌ها از غصه در حال مرگ هستند. آن‌ها کشوری را با سرمایه‌های آن غصب کردند و امروز می‌بینند اگر بخواهند در انتخابات عراق روی دموکراسی بایستند شیعیان در صدر قرار می‌گیرند. مگر می‌شود اسلام‌خواهی صحیح در دنیا باشد و آن کشور رابطه خوبی با ایران نداشته باشد، این امر امکان ندارد.

مغز کوچک بوش عاجز از این است که بتواند پیوندهای دینی در جهان اسلام را تشخیص دهد. این حکومت اگر به استناد رأی مردم به وجود نیاید با شما خواهد بود، اما در میان امت اسلامی پایگاهی نخواهد داشت و اگر به استناد رأی مردم روی کار بیاید، آن حکومت قلب‌هایشان با تمام مردم اسلام‌خواه دنیاست.

## عزت جمهوری اسلامی در جهان اسلام

حماس سنی، حزب‌الله شیعی، دولت اسلام‌خواه شیعی در عراق و هر کشور اسلام‌خواه دیگر، شما هرچقدر بدان‌ها کمک کنید، قلب آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. مغزهای تاریک و تحلیل‌های ناقص شما در واشنگتن نمی‌تواند این را تشخیص دهد. آن‌ها وقتی‌که حماس، حزب‌الله و هر مسلمانی، ایران را کشور خود می‌داند آن‌ها بغض می‌کنند. ایران کشور مسلمان و کشور شهیدان است.

ایران مهد اسلام است. پیوندهای دینی و اسلامی در عمق دنیا وجود دارد و شما نمی‌توانید این را درک کنید. نخست‌وزیر عراق به ایران آمده و آن‌ها از شدت عصبانیت اولتیماتوم می‌دهند. رهبر، رئیس‌جمهور و ملت ما که در طول سه دهه نشان داد از شما نمی‌ترسند و پای آرمان‌های الهی ایستاده است.

آنچه موجب شگفتی و تأثر انسان است، این است که عده‌ای در آن طرف دنیا واقعیت‌های دنیای اسلام را نفهمند و این باعث می‌شود که خود و دیگران را به‌زحمت بیندازند. إن شاء الله با هوشیاری امت اسلامی آن‌ها آرزوهایشان را به گور ببرند.

## دعا

خدایا قلب‌های ما را به نور ایمان و معرفت خودت منور بفرما. خدایا ما را از وسوسه‌های شیطان دور بدار. به ما توفیق تهذیب نفس و تکمیل اخلاق عنایت بفرما. خدایا ما را همواره متذکر مرگ و عوالم پس از مرگ بدار خدایا سلام‌های خالصانه ما را به محضر بقیه‌الله ابلاغ بفرما ارواح طیبه شهدا را و روح مطهر امام روح مطهر آیت‌الله مطهری یادگار امام و اموات و گذشتگان و علمای گذشته را با اولیای خودت محشور بفرما باران رحمت و برکتت را بر ما فرو بفرست خدایا به ما توفیق اطاعت خودت و دوری از معصیت عنایت بفرما خدایا شر دشمنان اسلام را به خودشان بازبگردان و انقلاب اسلامی را از تمام خطرها و آفت‌ها دور بفرما و...

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الراحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. الصافات / 101,100 [↑](#footnote-ref-3)
4. الصافات / 102 [↑](#footnote-ref-4)
5. هود / 42 [↑](#footnote-ref-5)
6. هود / 43 [↑](#footnote-ref-6)
7. همان [↑](#footnote-ref-7)
8. هود / 45 [↑](#footnote-ref-8)
9. هود / 46 [↑](#footnote-ref-9)